

# کیمیای خرد

جستارهایی در زمینه دین و اخلاق

▪ دکتر انشاء الله رحمتی ▪



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۷	چرا باید فیلسوفی کرد
۳۱	فلسفه: دعوت به ژرف اندیشی
۴۵	دین و خردورزی
۴۵	فلسفه دین
۴۸	الهیات مدرسی
۴۸	الهیات دئیستی
۴۵۰	فلسفه دین
۵۵	فلسفه دین در ایران
۵۷	معانی هرگز اندر حرف ناید: تأملی در ماهیت تجربه دینی
۸۱	پاسکال: ایمان و عقلانیت
۸۲	۱- مقدمه
۸۳	۲- معرفت‌شناسی دینی
۸۷	۳- ایمان‌گرایی
۹۸	۴- برهان شرط‌بندی و عقلانیت مصلحتی
۱۰۲	۵- برخی اشکالات
۱۰۵	۶- عقلانیت مصلحتی و تکالیف یا فضایل معرفتی
۱۰۶	۷- مقایسه و نتیجه‌گیری

برهان وجودی با تگاهی به فلسفه اسلامی ..... ۱۰۹

۱- تاریخچه ..... ۱۱۰

۲- تعریف خدا ..... ۱۱۱

۳- تقریر نخست برهان وجودی ..... ۱۱۳

دلیل ملازمه ..... ۱۱۴

دلیل استحاله ..... ۱۱۵

۴- برهان بر قاعده «واجب الوجود» ..... ۱۱۵

۵- دستاورد برهان وجودی و قاعده «واجب الوجود» ..... ۱۱۵

۶- نقادی ..... ۱۱۷

اشکال نخست ..... ۱۱۷

اشکال دوم ..... ۱۱۹

۷- تقریر دوم برهان وجودی ..... ۱۲۴

دلیل ملازمه ..... ۱۲۶

دلیل استثناء ..... ۱۲۷

شیوه پساتجربی ..... ۱۲۸

شیوه پیشاتجربی ..... ۱۲۸

۸- اشکالات این تقریر ..... ۱۳۰

اشکال نخست ..... ۱۳۰

اشکال دوم ..... ۱۳۰

۹- مقایسه با قاعده «واجب الوجود» ..... ۱۳۲

۱۰- نتیجه گیری ..... ۱۳۴

قدرت مطلق و فهم عقلانی دین ..... ۱۳۷

۱- مقدمه ..... ۱۳۷

۲- تعریف قدرت مطلق و ارتباط آن با فهم عقلانی دین ..... ۱۳۸

۳- معنای وجوب (ضرورت در مورد خداوند) ..... ۱۴۱

۴- نسبت قدرت مطلق با حقایق سرمدی ..... ۱۴۴

۵- نتیجه گیری ..... ۱۵۰

اراده الهی و استقلال اخلاق ..... ۱۵۳

۱- مقدمه ..... ۱۵۴

۲- تاریخچه نظریه ..... ۱۵۵

۳- تقریرهای مختلف ..... ۱۵۸

۴- استقلال اخلاق از دید کانت ..... ۱۶۶

۵- نظریه حسن و عقلی ذاتی نزد اندیشمندان ..... ۱۷۵

۶- نتیجه گیری ..... ۱۷۸

دین، اخلاق و محیط زیست ..... ۱۸۱

سرود عدالت: تأملی در رساله گرگیاس افلاطون ..... ۱۹۹

۱- مقدمه ..... ۱۹۹

۲- خطابه (سخنوری) ..... ۲۰۱

جاودانگی نفس: تأملی در رساله فایدون افلاطون ..... ۲۱۵

۱- مقدمه ..... ۲۱۶

۲- جاودانگی نفس ..... ۲۲۲

وجودشناسی اسلام ..... ۲۵۳

آشتیانی، نمادی از حیات و نشاط فلسفه اسلامی ..... ۱۶۳

پرتوافشانی خیال در ازل ..... ۲۷۹

۳۷۹	۱-۲. میان‌ی مابعدالطبیعی
۳۸۱	۲-۲. میان‌ی انسان‌شناسی
۳۸۳	۳-۲. تمایز به غایت
۳۸۹	۴-۲. تمایز به روش
۳۸۹	تفاوت در تقلید
۳۹۲	تفاوت در مراعات مرز و محدودیت‌ها
۳۹۷	دین، طبیعت و علم تجربی از نگاه سید حسین نصر
۴۲۷	پاسخ به جووانی موناسترا
۴۳۷	نمایه

۲۸۹	امکان اشرف
۲۹۹	اقلیم هشتم: تأملی در مکان بند بودن عالم مثال
۳۰۰	۱- مقدمه
۳۰۳	۲- تعریف و توصیف عالم مثال
۳۰۶	۳- برزخ نزولی و برزخ صعودی
۳۱۱	۴- جغرافیای مثالی
۳۱۹	۵- مجمع‌البحرین
۳۲۴	۶- نتیجه‌گیری
۳۲۹	کارآمدی خیال در تبیین حقایق معنوی
۳۳۰	۱. جایگاه خیال
۳۳۸	۲. خداشناسی
۳۳۸	۱-۲. وحدت باوری یا نظریه تک‌گوهری
۳۳۸	۲-۲. دنیسم یا خداباوری طبیعی
۳۳۹	۳-۲. یکتاپرستی در ادیان نبوی
۳۴۶	۳. انسان‌شناسی و تجربه عرفانی
۳۵۵	سنت‌گرایی و موانع فهم آن
۳۵۵	۱. سنت
۳۵۹	۲. تعلق داشتن به دوران معاصر
۳۶۴	۳. موانع فهم
۳۷۵	هنر قدسی و هنر ناسوتی
۳۷۶	مقدمه
۳۷۷	۱. تقابل تاریخی
۳۷۸	۲. تقابل مفهومی و منطقی

## مقدمه

یک ویژگی بارز تاریخ علم و اندیشه در جهان اسلام این است که از همه آن جد و جهدهای تخصصی که در راه اعتلای رشته‌های معرفتی بشر مبذول شده، غایتی ژرف‌تر و برتر مورد نظر بوده است. اصحاب علوم دین، عرفان، فلسفه و حتی اصحاب علوم طبیعی، در کنار دغدغه خاطر معرفتی‌شان، علاوه بر آسمان ستاره باران جهان، چشمی هم به آسمان جان و آستان جان جهان داشته‌اند. همه خردورزی‌ها و تجربه‌اندوزی‌ها را نردبانی ناگزیر برای بر شدن بر بام آسمان آدمیت می‌دانسته‌اند چرا که مقام «خلیفه‌اللهی» تنها در این مسیر معنا می‌یابد.

موضوع هیچ یک از جستارهای این اثر، البته تاریخ اندیشه نیست ولی می‌توان گفت عمدتاً با التزام به چنین مبنایی سامان یافته‌اند. به طور کلی دو مضمون اصلی آنها، یکی دین است و دیگری اخلاق، گویانکه سهم مباحث دینی بیشتر و پررنگ‌تر است. غالباً به این دو موضوع از منظر فلسفی (و به تعبیر دقیق‌تر از منظر فلسفه دین و فلسفه اخلاق) پرداخته‌ام. در ابتدا کوشیده‌ام تا ضرورت خردورزی برای بشر، به طور عام، چه در امر دنیا و چه در امر آخرت تبیین شود و به طور کلی لزوم فلسفه اندیشی و دقیق‌تر بگویم فلسفی‌اندیشی برای بشر بر کرسی اثبات بنشیند (فصول یک و دو) و در ادامه همین ضرورت را در حوزه خاص فلسفه دین دنبال کرده و نشان داده‌ام که هر چند در طول تاریخ تنش‌ها و تعارض‌های سختی میان دین و عقل (فلسفه) در گرفته است ولی اگر نیک بنگریم هیچیک از این دورایی‌نیاز از دیگری نخواهیم یافت. نه فقط فلسفه و فیلسوفان بلکه حتی علم و عالمان نیز بسیاری از بصیرت‌های‌شان را از دین الهام گرفته‌اند و از سوی دیگر دین و عالمان دین نیز بدون بهره‌گیری از فلسفه نه فقط در برابر منتقدان بی‌دفاع می‌مانند، بلکه حتی گفتگوی سازنده میان اصحاب ملل و نحل دینی نیز در محکمه عقل و فلسفه امکان‌پذیر می‌شود (فصل سه).

با این همه کم نیست مواردی که میدان دادن به عقل در مباحث دینی

اصحاب دین را به سختی تحت فشار قرار داده و عرصه را بر آنان تنگ کرده است. اوج چنین وضعیتی را در اواخر سده نوزدهم و اوائل سده بیستم، شاهد هستیم. به خصوص می‌دانیم که اصحاب پوزیتویسم منطقی بر اهمیت و ضرورت تجربه چنان سرسختانه پای فشر دند و آن را یکه‌تاز میدان معرفت قرار دادند که جایی برای دیگر دانش‌های بشری مانند مابعدالطبیعه و الهیات برجای نگذاشتند. اما طُرفه اینکه از دل همین فضای تاریک شکاکیت و الحاد، سپیده بسیاری از مباحث تأسیسی در حوزه دین سر زد.

در این میان برخی از فیلسوفان در عین التزام به همان مبانی تجربه‌گرایی، چراغ بحث «تجربه دینی» را روشن ساختند و نشان دادند اگر تجربه راه متقن و معتبری برای کسب معرفت است، دلیلی برای مستثنی ساختن تجربه دینی از این قاعده وجود ندارد (فصل چهارم). اما همه بحث‌های تأسیسی به این عرصه تجربه دینی محدود نشد و دیگر فیلسوفان بر راه‌های دیگر برای تبیین دین، یعنی بر ایمان و عقل تأکید ورزیدند. و در این میان هم نسبت خود ایمان و عقل که سابقه‌ای به قدمت تأملات دینی دارد، احیاء شد و هم قابلیت‌های آنها مورد استفاده قرار گرفت. در پرتو میدان دادن به ایمان و عقل در عرصه مباحث فلسفه دین، بسیاری از بحث و برهان‌های سنتی در آثار فیلسوفان متقدم، چه فیلسوفان یونانی و چه فیلسوفان قرون وسطی، در جامه‌ای نوین و حتی با هدفی متفاوت مجال طرح یافته است. براهین اثبات وجود خدا از جمله برهان وجودی احیاء شده است و برخی از فیلسوفان دین سعی کرده‌اند تقریر خردپسندی از آن به دست دهند. احیاء بحث و برهان‌های سنتی فقط اختصاص به براهین اثبات وجود خدا ندارد. بلکه مباحث تحلیلی فراوانی در باره صفات خداوند و فهم عقلانی آن صفات نیز امروزه در این عرصه جریان دارد. (فصول پنج، شش و هفت).

ممکن است تصور شود که در دنیای سکولار غرب، اخلاق سکولار بر اندیشه و اعمال همگان غالب است و موضوع نسبت اخلاق و دین مجال طرح نمی‌یابد ولی واقعیت این است که ژرف‌سنجی‌های بسیاری در این موضوع صورت گرفته است. وجوه مختلف نسبت دین و اخلاق، از جمله وجه منطقی و مفهومی این نسبت به طور جدی بررسی شده است و کم نیستند فیلسوفانی که به نحوی از نظریه اخلاق مبتنی بر امر الهی (یا همان حُسن و قبح الهی) دفاع می‌کنند و از سوی دیگر فیلسوفانی نیز هستند که اخلاق را بر دین مبتنی نمی‌دانند (چرا که

ابتناء اخلاق بر دین مستلزم سلب استقلال یا خودآئینی از اخلاق است) بلکه حتی از ابتناء منطقی دین بر اخلاق حمایت می‌کنند (فصل هشت). به هر تقدیر در بسیاری از حوزه زندگی اخلاقی، می‌توان از تعالیم دینی فراوان بهره برد و مباحث اخلاقی را غنا بخشید و از بارزترین حوزه‌ها در این میان اخلاق زیست محیطی است (فصل نه). در همین بحث نسبت میان اخلاق و دین، از جمله موضوعاتی که مطرح می‌شود یکی مسأله واقع‌گرایی اخلاقی است به این معنا که چگونه می‌توان در مقابل نیست‌انگاران اخلاقی که هر چیزی چون واقعیت یا ارزش اخلاقی را نفی می‌کنند، از وجود این ارزش‌ها دفاع کرد. تقریر کلاسیکی از این بحث در رساله گرگیاس افلاطون آمده است، گو اینکه در طول تاریخ تا به امروز طرفین این نزاع در صحنه تاریخ اندیشه حضور داشته‌اند (فصل ده). هر قدر هم که اخلاق دعوی استقلال و خودآئینی داشته باشد، ولی در نهایت اخلاق زمانی معنادار می‌شود که بازیگران صحنه اخلاق یعنی آدمیان را موجوداتی بدانیم که نه صرفاً برای زندگی موقتی این دنیا، بلکه برای جاودانگی آفریده شده‌اند، بنابراین باید دید که آیا می‌توان از این مدعا دفاع عقلانی کرد. باز هم تقریر کلاسیکی از این بحث را در فایدون افلاطون می‌توان یافت (فصل یازده).

برای کسی که دل در گرو فلسفه و معنویت اسلامی ایرانی دارد، این سؤال مطرح است که آیا فیلسوفان مانیز می‌توانند حضوری درخور در این مباحث داشته باشند و به علاوه تفکر دینی و اخلاقی معاصر را غنا ببخشند و پاره‌ای از کژئی و کاستی‌های آن را جبران کنند. در برخی از فصول (فصل‌های دوازده و سیزده) سعی شده است تا قابلیت فلسفه و حکمت اسلامی برای داشتن حضوری پر نشاط در این مباحث تبیین شود. به علاوه از جمله نقاط قوت فلسفه و حکمت اسلامی، درک عمیق آن از قوه معرفتی «خیال» و ساحت وجودی «عالم مثال» به عنوان ساحتی در میانه عالم محسوس و عالم معقول است. هانری کربن بر این وجه از وجوه فلسفی و معنوی اسلام ایرانی تأکید بلیغ ورزیده است. در فصولی چند (فصل‌های چهارده، پانزده، شانزده و هفده) این موضوع به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

مکتب حکمت خالده یا سنت‌گرایی، در دوران معاصر، کمر به احیاء حکمت خالده به عنوان یک حکمت ازلی و اصیل که ریشه در دین حنیف دارد، بسته است. از جمله مصادیق بارز این حکمت خالده را حکمت و معنویت اسلامی می‌دانند که ریشه در قرآن کریم و سنت نبوی دارد. این مکتب با همه اهمیتی که داراست، برای